

---

## روش شوستری در کشف و تصحیح تحریفات و تصحیفات در قاموس الرجال

---

فتحیه فتاحی زاده \*

محمد کاظم رحمان ستایش \*\*

سمیه رضوی خواه \*\*\*

---

### چکیده:

مقاله حاضر روش‌های شوستری در شناسایی و تصحیح تحریف‌های راه‌یافته در تنقیح/المقال علامه مامقانی را- که قاموس الرجال تعلیقی بر آن است- مورد بررسی قرار داده و با ذکر مثال‌هایی به دسته‌بندی آن‌ها اقدام کرده است. روش شوستری برای کشف و اصلاح این تحریف‌ها شامل دو مرحله است: در مرحله اول با کمک معیارهایی همچون اختلاف نقل‌ها، ناهماهنگی در طبقه‌روایان و تطابق نداشتن متن حدیث با قواعد عربی و نگارشی، احتمال وقوع تحریف را بیان می‌کند، سپس برای شناسایی عبارت صحیح از راهکارهایی همچون مقابله نقل کتب مختلف، ترجیح نقل برخی از آن‌ها و نیز رجوع به نسخه‌های صحیح‌تر و اصل کتاب‌ها، طبقه‌شناسی روایان، علم نسب‌شناسی، توجه به ذکر یا اسقاط نام راوی در رجال و اخبار، توحید یا تعدد عناوین، تفرد یا اتفاق نقل‌ها استفاده می‌کند، البته گاهی از چندین روش در کنار هم بهره می‌گیرد یا معیار یک روش را با راهکار روش دیگر به صورت ترکیبی به کار می‌گیرد. وی بیش از سایر روش‌ها از روش مقابله و مقایسه نقل‌های مختلف استفاده کرده است. تحریف‌هایی که شوستری در قاموس الرجال به اصلاح آن‌ها پرداخته، از نظر حجم و تعداد می‌توان در سه دسته قرار داد: تحریف‌هایی که توسط مامقانی رخ داده، تحریف‌هایی که در روایات کثی موجود است و تحریف سایر کتاب‌ها که البته برطرف ساختن همه این تحریف‌ها تأثیری در داوری‌های رجالی نداشته و تنها رفع برخی از آن‌ها برای داوری صحیح رجالی ضرورت داشته است.

کلیدواژه‌ها: شوستری، قاموس الرجال، تحریف، تصحیف.

---

\* استاد دانشگاه الزهراء(س) / F.fattahizade@yahoo.com

\*\* استادیار دانشگاه قم / setayesh.KR@gmail.com

\*\*\* کارشناس ارشد دانشگاه الزهراء(س) / s\_razavikhah@yahoo.com

## ۱. بیان مسئله

هدف از علم رجال، شناسایی راویان ثقه از غیر ثقه برای دستیابی به احادیث صحیح از سقیم است و کتاب‌های رجالی که به بیان شرح حال راویان احادیث پرداخته‌اند، همگی در پی تحقق بخشیدن به این هدف بوده‌اند. اما راه یافتن برخی تحریف‌ها و تصحیف‌ها<sup>۱</sup> در مضامین این کتاب‌ها، همواره به عنوان عاملی مزاحم در جهت تحقق این هدف، مطرح بوده است؛ بنابراین کشف، شناسایی و اصلاح این موارد برای صدور احکام صحیح رجالی و قضاوت درست دربارهٔ افراد ضروری می‌نماید.

قاموس الرجال شوشتری یکی از کتاب‌هایی است که در زمینهٔ معرفی راویان احادیث نوشته شده و توجه زیادی به مسئلهٔ کشف تحریف و تصحیف و رفع و اصلاح آن‌ها دارد. شوشتری در این کتاب که در حقیقت تعلیق و حاشیه بر تنقیح المقال فی معرفة الرجال علامه مامقانی بوده است، علاوه بر رفع و اصلاح اشتباه‌های علامه مامقانی، به کشف و اصلاح تحریف‌ها و تصحیف‌های راه‌یافته در عناوین و شرح حال‌های رجالی نیز همت گماشته و روش‌های متنوع و متعددی را در این زمینه به کار گرفته است. این پژوهش در پی پاسخ‌گویی به این سؤال است که شوشتری در کشف و اصلاح این تحریف و تصحیف‌ها در قاموس الرجال از چه روش‌هایی استفاده کرده است و این کشف و اصلاح تا چه حدی ضرورت داشته و در قضاوت‌های رجالی اثرگذار بوده است؟ در اینجا با ذکر نمونه‌هایی از قاموس الرجال به بیان شیوهٔ شوشتری در کشف و اصلاح تحریف‌ها می‌پردازیم.

پیش از ورود به این بحث، ذکر پیشینه‌ای کوتاه دربارهٔ کتاب‌های تألیف‌شده در رابطه با تحریف و تصحیف ضروری است. منابع مربوط به بحث تحریف و تصحیف را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد: ۱. منابع اختصاصی که در نام کتاب نیز از این واژه‌ها و مشتقات آن‌ها بهره گرفته‌اند؛ نخستین کتاب با این ویژگی، التنبیه علی حدوث التصحیف تألیف حمزهٔ اصفهانی (م ۳۶۰) است؛ ۲. کتب ضبط اسمای متشابه مثل المؤتلف و المختلف از دارقطنی (م ۳۸۵)؛ ۳. کتب درایه که در لابه‌لای آن‌ها بحث‌هایی در این مورد دیده می‌شود. از قدیم‌ترین این کتب، المحدث الفاصل نوشتهٔ قاضی رامهرمزی (م ۳۶۰) است؛ ۴. کتاب‌هایی که بخش مستقلی را به این موضوع اختصاص

داده‌اند، مانند *الاخبار الدخيلة*<sup>۲</sup> از محمدتقی شوشتری و *معجم رجال الحدیث* از آیت‌الله خویی؛ ۵. کتاب‌هایی که برای برطرف ساختن تحریف، اسناد و راویان را فهرست کرده‌اند، همچون *جامع الرواة اردبیلی*؛ ۶. کتبی که به موضوع تحریفات اهتمام ویژه داشته‌اند، همچون *منتقى الجمان* نوشته حسن بن زین‌الدین (م ۱۰۱۱) و نیز *قاموس الرجال و النجعة فی شرح اللعنه* هر دو از محمدتقی شوشتری. (ر.ک: شبیری، ۱۳۸۲ش، ج ۷، ص ۳۵۸-۳۵۹)

قرار گرفتن سه اثر از مجموعه آثار شوشتری در زمره منابع این بحث، نشان از اهمیت بالای این موضوع در نزد او دارد؛ از این‌رو در زمینه شناسایی روش وی در کشف و اصلاح تحریف‌ها و تصحیف‌ها مقاله‌هایی نوشته شده است. از جمله مقاله «اندیشه‌های حدیثی شوشتری رحمته الله علیه در کتاب النجعه (۲)» از محمدحسین بهرامی که اقسام تحریف‌های ذکر شده در کتاب *النجعه* و نیز روش شوشتری در کشف این تحریف‌ها را مورد بررسی قرار داده است. همچنین مقاله زهرا نفیسی با عنوان «روش شوشتری در نقد سند» که به بررسی ملاک‌های شناخت تحریف در سند از دیدگاه شوشتری در کتاب *الاخبار الدخيلة* پرداخته است.

در هر دو کتاب *النجعه* و *الاخبار الدخيلة* که محتوای حدیثی دارند، امکان وقوع تحریف و تصحیف در سند و متن روایات مورد بررسی قرار گرفته است، اما کتاب *قاموس الرجال* محتوای رجالی داشته و حاوی شرح حال راویان احادیث است، لذا کشف و اصلاح تحریف‌ها و تصحیف‌ها در آن تنها به بررسی سند و متن روایات ختم نمی‌گردد و به شکل گسترده‌تر در عناوین و شرح حال‌های رجالی مورد بررسی قرار می‌گیرد و چه بسا پس از تشخیص تحریف‌های رخ داده در نام و عنوان یک راوی، شوشتری آن عنوان را ساقط و تنها حاصل وقوع تحریف در عنوان دیگر بداند، لذا این مقاله در پی بررسی روش شوشتری در کشف و اصلاح تحریف‌ها و تصحیف‌ها در کتاب *قاموس الرجال* است.

## ۲. تعریف تحریف و تصحیف از نظر شوشتری

علامه شوشتری در کتاب خود، تعریف مستقلی از تحریف و تصحیف ارائه نداده است، اما با توجه به کاربردهای این دو واژه در *قاموس الرجال* و از آنجاکه وی نسخه

محرّف و مصحّف را در مقابل نسخه مصحّح قرار داده و نیز نسخه محرّف را نسخه‌ای بیان کرده که در آن عبارات تحریف شده وجود دارد (شوشتری، ۱۳۳۱ق، ج ۱، ص ۵۸)، به نظر می‌رسد که از نظر او تحریف شامل هرگونه تغییری می‌شود که در اصل یک متن وارد شده و صحت آن را مورد خدشه قرار بدهد و این نکته که وی هرگز تصحیف را به نویسنده یک کتاب نسبت نداده بلکه آن را تنها به نسخه‌نویسان نسبت داده (همان، ج ۱، ص ۶۳) ولی معتقد است که تحریف هم از سوی نویسندگان و هم از سوی نسخه‌نویسان می‌تواند صورت بگیرد (ر.ک: همان، ج ۱، ص ۵۹) نشان‌دهنده این است که در نظر او، تصحیف زیرمجموعه‌ای از تحریف است؛ به این صورت که تصحیف، تحریفی است که در طی عملیات استنساخ کتاب توسط نسخه‌نویسان رخ داده و در نسخه اصلی کتاب وجود نداشته است. (برای آگاهی از تصحیف متن از نظر شوشتری، ر.ک: رضایی کرمانی و زارع زردینی، ۱۳۸۹، حدیث پژوهی، شماره ۴، ص ۱۱۳-۱۴۰) از این رو در ادامه به جای نوشتن تحریف و تصحیف در کنار هم، تنها از لفظ تحریف که دربردارنده هر دو نوع است استفاده می‌کنیم.

### ۳. روش شوشتری در شناسایی و رفع تحریف

روش شوشتری برای کشف و اصلاح تحریف، شامل دو مرحله کلی است. وی ابتدا با در نظر گرفتن معیارهایی، احتمال وقوع تحریف را مطرح کرده و پس از آن با به کارگیری راهکارهایی به تصحیح این تحریف‌ها اقدام می‌کند. روش‌های شوشتری برای کشف و رفع تحریف در قاموس الرجال به قرار زیر است:

#### ۳-۱. مقابله و مقایسه نقل کتب مختلف

به طور کلی، نحوه تألیف متن اصلی<sup>۳</sup> کتاب قاموس الرجال به این صورت است که ابتدا شوشتری بخشی از اقوال مامقانی را در صدر شرح حال فرد رجالی ذکر کرده و پس از آن با عباراتی همچون «اقول» یا «قلت»، تعلیقات خود و اشکال‌هایی را که از نظر او بر مامقانی وارد است، بیان می‌کند.<sup>۴</sup> مواردی هم هست که مامقانی یک راوی را عنوان نکرده<sup>۵</sup> یا اینکه شوشتری اظهارات مامقانی را درباره یک راوی کاملاً اشتباه تشخیص داده است.<sup>۶</sup> وی در این موارد، شخصاً به بیان شرح حال فرد از کتب مختلف می‌پردازد و در هر دو صورت تلاش می‌کند اطلاعات جامعی راجع به فرد رجالی و

نمونه روایت‌های وی از کتب مختلف گردآوری کند.<sup>۷</sup> وی پیدا شدن اختلاف در نقل این کتاب‌ها را معیاری برای وقوع تحریف در نظر می‌گیرد و سپس با مقابله نقل کتاب‌ها به رفع این تحریف‌ها می‌پردازد.

شوشتری گاه از روش مقابله نقل‌های کتب مختلف برای کشف تحریف‌های سندی بهره می‌گیرد؛ برای مثال، *التهدیب* در باب «فضل زیارت حسین علیه السلام»، روایت ابواسماعیل را از «حسین بن علی بن ثویر» از صادق علیه السلام نقل کرده است (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۴۳) در حالی که *کامل الزیارات* ابن قولویه (۳۵۶ق، باب ۴۹، ص ۱۳۲) و *ثواب اعمال* ابن بابویه (۱۴۰۶ق، ص ۹۱) همان روایت را از ابوسعید (نه ابواسماعیل) و از حسین بن ثویر (نه حسین بن علی بن ثویر) از اباعبدالله صادق علیه السلام ذکر کرده‌اند که شوشتری اختلاف سند *التهدیب* را با سند دو کتاب دیگر قرینه وقوع تحریف در *التهدیب* دانسته و بیان می‌کند که شیخ در *التهدیب* دچار اشتباه شده است. (شوشتری، ۱۴۳۱ق، ج ۳، ص ۴۹۰/ برای نمونه‌های بیشتر ر.ک: ج ۱، ص ۱۰۴، ۱۰۵، ۲۹۵، ۳۰۹، ۳۱۴، ۳۲۵، ۴۸۳، ۴۱۳ و ج ۳، ص ۱۸۲)

گاهی نیز از روش مقابله و مقایسه نقل کتب مختلف برای شناسایی تحریف‌های راه‌یافته در متن روایات استفاده می‌کند،<sup>۸</sup> به این شکل که روایات متحد یا قریب المضمون را از کتب مختلف جمع‌آوری کرده و به مقایسه آن‌ها با هم می‌پردازد؛ برای مثال درباره روایتی که کشی در خصوص زکریا ابن سابور نقل کرده است،<sup>۹</sup> شوشتری بیان می‌کند که باب «ما یعاین المؤمن» از کافی با اسنادش از ابن فضال، مانند آن را روایت کرده است. (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۵، ص ۳۴۵) اما ظاهراً کلمه «قال» در خبر کشی آنجا که گفته «قال فبسط یده» زیاده است، چراکه در *الکافی* نیامده است. (شوشتری، ۱۴۳۱ق، ج ۴، ص ۴۷۰/ برای نمونه‌های بیشتر ر.ک: ج ۳، ص ۱۰۰؛ ج ۸، ص ۳۲۲، ۴۵۶، ۴۵۷؛ ج ۹، ص ۱۱۴، ۱۱۸؛ ج ۱۰، ص ۱۰۴)

اصلاح این تحریف، همان‌طور که مشاهده می‌شود علاوه بر اینکه در فهم معنای دلالی حدیث اثرگذار نیست، در قضاوت‌های رجالی درباره زکریا ابن سابور نیز اثری ندارد، بلکه مطلبی کاملاً روشن است که نیازی به توضیح نداشته و هرکس که متن روایت را مطالعه کند، به سهولت به اضافه بودن کلمه «قال» در آن پی می‌برد. در نتیجه،

تصحیح موارد این چنینی همان طور که خود علامه در مقدمه درباره ضبط کلماتی همچون ابراهیم و محمد و... - که از واضحات است - گفته، تحصیل حاصل می باشد و چندان ضرورتی برای ذکر آن، در یک کتاب رجالی که مهم ترین وظیفه آن تعیین وثاقت یا عدم وثاقت راویان است، وجود نداشته است. اما در مثال بعدی از آنجایی که روایت در مدح افرادی است که نقبای ائمه نامیده شده اند، تحریف در ذکر نام یکی از این افراد می تواند در داوری رجالی اثرگذار باشد؛ از این رو رفع و تصحیح آن در یک کتاب رجالی لازم و ضروری بوده و شوشتری به رفع آن اقدام کرده است.

مثال دوم: *الخصال* در باب «الاثنی عشر» از ابان الأحمر، از جماعت مشیخه، روایت می کند که گفته اند: پیامبر ﷺ از امتش دوازده نقیب را برگزیده است... تعدادشان هم عدد با نقبای موسی ﷺ است: نه نفر از خزرج، و سه تن از اوس؛ خزرجیان عبارت اند از: أسعد بن زراره، البراء بن معاویه، عبدالرحمن بن حمام، جابر بن عبدالله، رافع بن مالک، سعد بن عباد، منذر بن عمرو، عبدالله بن رواحه، سعد بن ربیع، ابن قوافل عبادة بن صامت، و از اوسیان: ابوالهیشم بن التیهان، اسید بن حضیر، سعد بن خیشمه. (ابن بابویه، ۱۳۶۲ش، ج ۲، ص ۴۹۱)

شوشتری پس از مقایسه این روایت با نظیر آن در کتاب *الاستیعاب* بیان می کند که نقل *الاستیعاب* صحیح است که در آن به جای البراء بن معاویه، البراء بن معرو آمده و به جای عبدالرحمن بن حمام، عبدالله بن عمرو بن حرام آمده است. (ابن عبدالبر، بی تا، ج ۱، ص ۸۰-۸۱) و اصل در این کلام که *الخصال* گفته: «و عبدالرحمن بن حمام و جابر بن عبدالله» به این صورت بوده است: «و عبدالله بن عمرو بن حرام ابوجابر بن عبدالله» (یعنی ابوجابر بن عبدالله توضیحی بوده مبنی بر اینکه عبدالله بن عمرو بن حرام پدر جابر بن عبدالله معروف است) و دلیلی که شوشتری برای نادرستی نقل *الخصال* ذکر می کند، این است که تعداد نقبا در آنجا (به جای دوازده عدد) سیزده نفر است، با اینکه در ابتدای (روایت) گفته شده که دوازده نفر هستند.<sup>۱</sup> (ر.ک: شوشتری، ۱۴۳۱ق، ج ۲، ص ۵۲۲-۵۲۳)

شوشتری همچنین از روش مقابله و مقایسه نقل های کتب مختلف برای رفع و اصلاح تحریف های واقع شده در عناوین و شرح حال های رجالی استفاده می کند؛ برای

نمونه، شیخ در *رجال*، بشیر بن معاویه بن ثور را از جمله اصحاب رسول خدا ﷺ برشمرده است، اما شوستری با توجه به اینکه الاستیعاب، او را بشر بن معاویه ذکر کرده است (ابن عبدالبر، بی تا، ج ۱، ص ۱۷۰) و اینکه براساس نقل اسد الغابة (ابن اثیر، بی تا، ج ۱، ص ۲۲۵) ابن مندة و ابونعیم هم او را بشر بن معاویه ذکر کرده‌اند، معتقد است که بشیر در *رجال* شیخ باید حاصل تحریف شیخ یا نسخه نویسان باشد. (شوستری، ۱۴۳۱ق، ج ۲، ص ۳۵۴/ برای نمونه‌های بیشتر ر.ک: ج ۱، ص ۲۲۷، ۲۵۱، ۴۹۸، ۵۲۹، ۵۳۱؛ ج ۲، ص ۴۹، ۵۵ و ۶۱)

گاهی نیز شوستری به مقایسه نسخه‌ها یا بخش‌های مختلف از یک کتاب می‌پردازد تا تحریف‌های راه‌یافته در همان کتاب را اصلاح کند؛ برای نمونه، «اسماعیل بن عبدالرحمن، حقیبة الکوفی» در برخی نسخه‌های *رجال* شیخ به صورت اسماعیل بن عبدالرحمن بن حقیبة الکوفی آمده است که از نظر شوستری، عنوان اول صحیح است، زیرا الوسیط که از *رجال* شیخ نقل قول کرده است و نیز ابن داود که نسخه‌اش از *رجال* شیخ به خط خود او بوده، عنوان اول را ذکر کرده‌اند. (شوستری، ۱۴۳۱ق، ج ۲، ص ۱۷۹/ برای نمونه‌های بیشتر ر.ک: ج ۱، ص ۱۲۱، ۲۹۱، ۲۹۶، ۴۱۰؛ ج ۲، ص ۲۷، ۲۹، ۴۹ و ۷۹)

نمونه دیگری که مقایسه بخش‌های مختلف یک کتاب را نشان می‌دهد، روایتی است که کشی در ذیل عنوان عیسی بن ابی منصور، به این صورت نقل کرده است: «محمد بن نصیر از محمد بن عیسی از ابراهیم بن علی روایت کرده که امام صادق علیه السلام هنگامی که عیسی بن ابی منصور را دید، فرمود: هر که می‌خواهد مردی از اهالی بهشت را ببیند بر این فرد نظر افکند.» شوستری معتقد است ابراهیم بن علی در سند این روایت، تحریف‌شده ابراهیم بن عبدالحمید است، زیرا در سه جا از *رجال* کشی (یکی در ذیل عنوان اُبی الخطاب، دیگری در ذیل عنوان زرارة و سومی در ذیل عنوان الحکم بن عتیبه) و همچنین در قرب الاسناد، ابراهیم بن عبدالحمید است که از عیسی بن ابی منصور روایت می‌کند (نه ابراهیم بن علی). (شوستری، ۱۴۳۱ق، ج ۸، ص ۳۰۰-۳۰۱/ برای نمونه‌های بیشتر ر.ک: ج ۱، ص ۳۹۸، ۴۳۹؛ ج ۳، ص ۱۲۹، ۲۴۷، ۴۷۰؛ ج ۸، ص ۴۸ و ۴۷۲)

### ۲-۳. بهره‌گیری از دانش طبقات

طبقه‌شناسی راویان یکی از مهم‌ترین راه‌های وقوف به اصل اسناد و کشف اختلالات

راه یافته در آن‌ها به شمار می‌رود. شوشتری ناهماهنگی در طبقه‌بندی راویان را معیاری برای کشف تحریف قرار می‌دهد، سپس با توجه به تقدم و تأخرهای زمانی راویان از یکدیگر یا کثرت و قلت روایات هر راوی از راوی دیگر، به اصلاح این تحریف‌ها می‌پردازد.

الکافی در باب «حلف بیع» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۰، ص ۵۰) در سند روایتی آورده است: عیسی بن هشام عن ابان بن تغلب که علامه شوشتری آن را تحریف یافته عبیس بن هشام عن ابان بن عمر می‌داند، زیرا عبیس از اصحاب رضا علیه السلام است و ابن تغلب قبل از ایام صادق علیه السلام از دنیا رفته است، پس هرگز روایت عبیس از او ممکن نیست اما روایتش از ابان بن عمرو مورد قبول است و چاره‌ای نیست که (بگوییم) منظور از ابان در سند این روایت، همان ابان بن عمرو بوده و ظاهراً اصل آن به صورت «عن ابان» بوده که منظور همین «ابان بن عمرو» بوده است؛ سپس کلینی یا یکی از راویان کتابش دچار اشتباه شده و گمان کرده‌اند به دلیل معروف بودن ابن تغلب منظور از ابان او بوده، و ابن تغلب را خودشان اضافه کرده‌اند. (شوشتری، ۱۴۳۱ق، ج ۱، ص ۱۲۱ و ۱۲۲)

این نمونه‌ای بود که روش شوشتری را در اصلاح تحریف‌های واقع شده در سند با دقت در تقدم و تأخرهای زمانی راویان از یکدیگر نشان می‌داد. در مواردی هم شوشتری با تبیین رابطه موجود میان راویان سند و اینکه کدام راوی از راوی دیگر با واسطه یا بی‌واسطه نقل می‌کند یا براساس کثرت و قلت روایات هر راوی از راوی دیگر، به کشف و تصحیح تحریف‌های واقع در اسناد اقدام کرده است؛ برای مثال، مؤلف من لا یحضره الفقیه روایت عبدالله بن سنان را از اسماعیل بن جابر در باب «ما یجب به التعذیر» نقل کرده است (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۴) که شوشتری می‌گوید با توجه به اینکه راوی آن روایت برقی است و برقی هرگز از عبدالله روایت نمی‌کند و تنها از محمد روایت می‌کند، پس باید عبدالله بن سنان در آن سند به محمد بن سنان تحریف شده باشد. (شوشتری، ۱۴۳۱ق، ج ۲، ص ۳۸)

مثال دیگر اینکه از موارد روایت حسن بن صدقه یکی در باب «بیع واحد» التهذیب (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۱۱۷) به صورت «وقد روی محمد بن سعید



المدائنی عن الحسن بن صدقة عن ابی الحسن الرضا علیه السلام است و دیگری از باب «من تکلم صلاة» الکافی (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۶، ص ۲۷۲) به صورت «و روی عمرو بن سعید عن الحسن بن صدقة عن ابی الحسن الاول علیه السلام بیان شده است. علامه شوشتری معتقد است به دلیل کثرت روایات عمرو بن سعید از حسن بن صدقه، این احتمال وجود دارد که محمد بن سعید در التهذیب تحریف شده عمرو بن سعید باشد. (شوشتری، ۱۴۳۱ق، ج ۳، ص ۲۶۸/ برای نمونه‌های بیشتر ر.ک: ج ۱، ص ۱۰۵، ۳۳۶؛ ج ۳، ص ۲۴۷، ۲۶۸، ۵۲۴ و ج ۸، ص ۴۸، ۷۹، ۳۰۰)

اگرچه علامه شوشتری بیشترین بهره را از دانش طبقات، برای کشف و تصحیح تحریفات سندی برده، در بررسی تحریفات متنی و شرح حال‌ها و عناوین رجالی نیز در موارد اندکی از دانش طبقات استفاده کرده است؛ برای مثال، در عنوان حکیم بن جبیر بن مطعم، در خبر نهم کشی از امام کاظم علیه السلام حواریان پیامبر صلی الله علیه و آله تا صادق علیه السلام ذکر شده‌اند و درباره حواری امام چهارم علیه السلام آمده: «ثم ینادی المنادی این حواری علی بن الحسین؟ فقیوم جبیر بن مطعم»؛ که شوشتری بیان می‌کند ظاهراً آن عبارت تحریف شده «فقیوم حکیم بن جبیر بن مطعم» است، چراکه جبیر صحابی‌ای بوده که قبل از سال شصت هجری از دنیا رفته، در حالی که امامت امام سجاد علیه السلام بعد از آن بوده و (همچنین) جبیر از طرف داران عثمان بوده است. (شوشتری، ۱۴۳۱ق، ج ۳، ص ۶۲۸/ برای نمونه‌های دیگر ر.ک: ج ۳، ص ۱۲۴ و ج ۹، ص ۱۵۰)

### ۳-۳. بهره‌گیری از علم نسب‌شناسی

از دیگر روش‌های شوشتری در کشف و اصلاح تحریف‌ها، بهره‌گیری از علم نسب‌شناسی است و کشف این‌گونه تحریف‌ها که به اصلاح عنوان‌گذاری‌ها و شرح حال‌های رجالی می‌انجامد، از ضرورت‌های یک کتاب رجالی محسوب می‌شود.

«أبان بن ارقم»، العنزی، القیسی، الکوفی آمده است که علامه مامقانی در توضیح آن می‌گوید: العنزی نسب او به عنزة بن أسد بن ربیعہ یا به عنزة بن عمرو بن عوف بن عدی بن عمرو بن مازن بن الازد است و القیسی نسب وی به قیس عیلان است. اما شوشتری بیان می‌کند جمع بین العنزی با هر دو معنی آن و قیس عیلان ممکن نیست، زیرا قیس از (قبیلة) ابن مضر است و عنزه با معنی اول از ربیعہ و با معنی دوم از

قحطان است. مامقانی همچنین می‌گوید: ابن قتیبه در معارفش ذکر کرده: عنزة بن اسد بن خزیمه، اسمش عامر است و عنزه نامیده می‌شده، زیرا فردی را با عنزه به قتل رسانده بود، اما شوشتری می‌گوید: در این صورت هم تنافی بین العنزی و القیسی باقی است، زیرا خزیمه از (قبیله) الیاس بن مضر است و قیس همان الیاس بن مضر است و صحیح این است که العنزی محرّف العسی باشد، زیرا عبس از قیس عیلان است همان‌طور که سمعانی هم در/نسب به آن تصریح کرده است. (همان، ج ۱، ص ۹۶/ برای نمونه‌های بیشتر ر.ک: ج ۱، ص ۳۰۱، ۴۱۰ و ج ۲، ص ۴۷، ص ۵۶۸)

### ۴-۳. ترجیح نقل برخی کتاب‌ها و نسخه‌ها

شوشتری براساس برخی مبانی رجالی خود معتقد است نقل بعضی از کتاب‌ها و نسخه‌ها بر بعضی دیگر ارجحیت دارند. او این مبنا را معیاری برای شناسایی و اصلاح تحریف قرار می‌دهد. وی معتقد است تحریف‌نشده هیچ‌یک از اصول اولیه رجالی به ما نرسیده، حتی رجال شیخ و فهرست او و نجاشی و تنها نسخه صحیح این سه کتاب به ابن طاووس و ابن داود و علامه رسیده است و درباره رجال کشی می‌گوید نسخه صحیح آن به هیچ کس حتی شیخ و نجاشی نیز نرسیده است، لذا نقل کشی را به دلیل کثرت تحریفات آن غیرقابل اعتماد می‌داند، مگر در مواردی که قرینه‌ای برای صحت قول وی موجود باشد و در نقل از کتاب‌های رجال و فهرست شیخ و فهرست نجاشی نیز، نقل ابن داود را از دو کتاب شیخ به دلیل اینکه نسخه‌اش از آن دو کتاب به خط خود شیخ بوده است و نقل علامه را از فهرست نجاشی به جهت اینکه نسخه‌اش از ابن داود صحیح‌تر بوده است، مقدم می‌داند و در موارد اختلاف نقل علامه در خلاصه و/ایضاح، دومی را مقدم می‌داند. (ر.ک: همان، ج ۱، ص ۵۶-۵۹)

برای نمونه علامه شوشتری درباره آدم بن الحسین النخّاس، نقل ابن داود را از رجال شیخ بیان کرده و می‌گوید شیخ او را در اصحاب صادق علیه السلام عنوان کرده است. اگرچه در نسخه‌های ما مبدل شده به «آدم ابوالحسین» است، از آنجاکه نسخه ابن داود از رجال شیخ به خط خود شیخ بوده، پس نقل وی مقدم است. (همان، ج ۱، ص ۸۸/ برای نمونه‌های بیشتر ر.ک: ج ۱، ص ۸۸، ۱۰۶، ۱۹۲، ۴۰۵، ۴۰۷ و ج ۲، ص ۲۰۸، ۲۸۳،

(۳۲۸، ۴۱۶، ۴۳۲، ۷۴۹)

شوشتری همچنین در بین کتب حدیثی، نقل *الکافی* را به دلیل اینکه آن را اضبط می‌داند، بر نقل سایر کتاب‌ها ترجیح می‌دهد؛ برای مثال، در اواخر باب «تطهیر ثياب» *التهدیب (طوسی)*، ۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۷۹ و اواخر باب «ذبائح» آن (همان، ج ۹، ص ۱۱۹) روایت الحسن بن المبارک از زکریا ابن آدم نقل شده است، اما شوشتری معتقد است حسن بن مبارک در آن، تحریف‌شده حسین بن مبارک است، زیرا در باب «المسکر یقطر منه فی الطعام» *الکافی* (کلینی، ۴۲۹ق، ج ۱۲، ص ۷۵۰) این‌گونه آمده است و همچنین به دلیل وجود نداشتن حسن در کتب رجال. (شوشتری، ۴۳۱ق، ج ۴، ص ۴۶۱/ برای نمونه دیگر ر.ک: ج ۹، ص ۱۱۴)

### ۵.۳. رجوع به منابع مورد استناد علامه مامقانی

بخش قابل توجهی از تحریف‌هایی که شوشتری در *قاموس الرجال* به اصلاح آن‌ها می‌پردازد، مربوط به اشتباه‌های علامه مامقانی در نقل قول‌هایش از کتب مختلف است؛<sup>۱۱</sup> از این رو شوشتری پس از ذکر نقل قول‌های علامه مامقانی از کتاب‌ها و نسخه‌های گوناگون، به نسخه‌های صحیحی که در اختیار داشته<sup>۱۲</sup> مراجعه کرده و به اصلاح این تحریف‌ها پرداخته است. در واقع از آنجاکه شوشتری به نسخه‌های مامقانی دسترسی نداشته، صرفاً بر مبنای نقل مامقانی در *تنقیح المقال* و مقایسه آن با نسخ مصحح یا نقل‌های صحیح‌تر کتب دیگر، حکم به نادرستی عبارات مامقانی داده است. (ر.ک: آقایانی، ۱۳۸۶، ص ۷۶)

مامقانی عنوان‌گذاری فهرست را برای ابراهیم بن یوسف بن ابراهیم نقل کرده و با توجه به دو نسخه‌ای از فهرست که نزد او وجود داشته است، می‌گوید: شیخ در انتهای کلامش در طریق کتاب ابراهیم بن یوسف گفته: «عن احمد بن میثم، و هو ثقه». اما علامه شوشتری معتقد است دو نسخه او تحریف‌شده هستند، زیرا صحیح نیست عنوان ابراهیم بن یوسف (باشد) و پایان طریق کتابش به احمد بن میثم ختم گردد، لذا می‌گوید نزد من نسخه‌ای است که با نسخه مامقانی مقابله کردم و در آن، این جمله بود: «عن احمد بن میثم عنه»، ولی در حاشیه به جای کلمه «عنه»، «عن ابراهیم بن یوسف و هو ثقه» (آمده بود) و ظاهراً جمله «و هو ثقه» توضیحی از سوی حاشیه‌نویسان

بوده که از نجاشی اخذ کرده، سپس با متن آمیخته‌اند. (شوشتری، ۱۴۳۱ق، ج ۱، ص ۳۴۴/ برای نمونه‌های بیشتر ر.ک: ج ۱، ص ۱۲۱، ۱۶۵، ۲۲۲، ۲۲۴، ۳۱۲، ۳۴۴، ۳۸۵، ۴۵۴، ۴۹۷، ۵۳۴، ۵۵۲، ۵۶۶، ۵۷۹؛ ج ۲، ص ۳۰، ۵۱، ۶۰، ۱۳۳، ۱۸، ۲۳۶، ۳۷۶، ۴۲۳ و ۵۹۹ و ج ۴، ص ۴۴)

این مثالی بود که نشانگر استفاده مامقانی از نسخه‌های تحریف‌شده بود، اما نمونه زیر خطای مامقانی در نقل قول را نمایان می‌کند:

علامه مامقانی ذیل عنوان ابراهیم بن نصر بن القعقاع الجعفی، طریق فهرست را برای او ذکر کرده است و در آن آورده: «عن أبی محمد علی بن همام»، و در طریق نجاشی برای وی آورده است: «عن أبی القاسم بن اسماعیل»، که شوشتری می‌گوید: «عن أبی محمد علی بن همام» نادرست است و صحیح آن «عن أبی علی محمد بن همام» می‌باشد، همچنین «عن أبی القاسم بن اسماعیل» هم نادرست بوده و صحیحش «عن القاسم بن اسماعیل» است. (همان، ج ۱، ص ۳۲۱/ برای نمونه‌های بیشتر ر.ک: ج ۱، ص ۱۴۷، ۱۵۸، ۱۸۶، ۱۹۲، ۲۲۸، ۲۴۰، ۲۵۰، ۲۷۶، ۳۳۳، ۴۰۵ و ۵۱۲)

### ۳-۶. توجه به ذکر یا اسقاط نام راوی در منابع روایی و رجالی

عدم وجود یک عنوان در کتب رجال و اخبار، از نظر شوشتری، معیار دیگری برای کشف تحریف در آن عنوان است؛ برای مثال، یکی از راویان ابراهیم بن اسحاق، محمد بن هوذه ذکر شده است که علامه شوشتری در این زمینه می‌گوید: شیخ در تهذیب و استبصارش در طریقه اش به ابراهیم بن اسحاق، محمد بن هوذه را ذکر کرده است. ولی ظاهراً محمد تحریف احمد است، به قرینه فهرست شیخ و به دلیل عدم ذکر او در کتب رجال و در اخبار، به خلاف احمد که هم در کتب رجال و هم در اخبار و روایات ذکر شده است. (همان، ج ۱، ص ۱۵۸/ برای نمونه‌های بیشتر ر.ک: ج ۱، ص ۱۷۱؛ ج ۲، ص ۳۲۲، ۴۲۵، ۴۵۷، ۴۶۴ و ج ۳، ص ۵)

### ۳-۷. بررسی تطابق متن حدیث با قواعد عربی و نگارشی

بررسی یک متن از نظر مطابقت با قواعد نگارشی و دستور زبان عربی، یکی دیگر از روش‌هایی است که شوشتری برای کشف و اصلاح تحریف از آن بهره می‌گیرد. البته وی از این روش بیشتر در رفع تحریف‌های راه‌یافته در روایات کشی بهره برده است

که نه تنها ضرورت رجالی در پی نداشته، گاهی حتی وجود این تحریف‌ها اختلالی را در فهم دلالی روایت ایجاد نمی‌کرده است؛ برای مثال، شوشتری هنگام تصحیح تحریف‌های راه‌یافته در روایتی از کشی<sup>۱۳</sup> بیان می‌کند که «فی المجلس الواحد» در آن روایت تحریف‌شده «فی مجلس واحد» بوده، زیرا دلیلی برای آوردن الف و لام تعریف در آنجا وجود نداشته است. (همان، ج ۱، ص ۱۴۷/ برای نمونه‌های بیشتر ر.ک: ج ۳، ص ۴۰۷ و ج ۹، ص ۱۴ و ۶۰)

رفع تحریف‌های متنی که حاصل اشتباه‌های دستوری و نگارشی هستند نیز از جمله موارد غیر ضروری بوده است که شوشتری به آن اقدام کرده است؛ برای نمونه، در این روایت که کشی آن را درباره احمد بن سابق نقل کرده است: «قال: کتب ابوالحسن الرضا علیه السلام الی یحیی بن ابی عمران و اصحابه القرآن؛ قال: و قرأ یحیی بن ابی عمران الكتاب، فاذا فيه «عافانا الله و ایاکم! انظروا احمد بن سابق، لعنه الله، الأعثم الأشج، فاحذروه» قال ابو جعفر و لم یکن اصحابنا یعرفون أنه أشج او به شجّه حتی کشف رأسه فاذا به شجّه، قال ابو جعفر محمد بن عبدالله: کان احمد قبل ذلک یظهر القول بهذه المقالة؛ قال: فما مضت الا یام حتی شرب الخمر و دخل فی البلیا». شوشتری از جمله تحریفات راه‌یافته در آن را این‌گونه بیان می‌کند که «قال ابو جعفر محمد بن عبدالله» در مرتبه دوم، باید در محل «قال ابو جعفر» اول قرار بگیرد، زیرا قاعده آن است که اول تفصیل باشد و سپس مجمل نه بالعکس. (همان، ج ۱، ص ۴۷۴-۴۷۵/ برای نمونه‌های بیشتر ر.ک: ج ۱، ص ۲۹۶، ۲۲۲، ۳۲۵، ۴۲۳، ۴۷۵، ۵۴۰ و ج ۲، ص ۷۲، ۷۴، ۱۸۲)

### ۸.۳. توجه به قرائن کلامی

شوشتری گاه با توجه و دقت در متن روایت و عبارت‌های آن به وقوع تحریف در آن متن پی برده و با کمک قرائن موجود در همان متن به تصحیح آن اقدام کرده است. البته اکثر این موارد نیز از جمله تحریف‌هایی بوده است که رفع و اصلاح آن ضرورت رجالی نداشته و در داوری‌های رجالی شوشتری بی‌تأثیر بوده است، باین‌حال شوشتری بخشی از کتاب خود را به اصلاح این‌گونه موارد اختصاص داده است؛ برای مثال، شوشتری در روایتی که کشی این‌گونه نقل کرده است: «... قال احمد بن علی: کان من قصته: أنه تمتع ببغداد فی دار قوم، فعلموا به فأخذوه و ذبحوه و أدرجوه فی لبد و

طرحوه فی مزبله: قال احمد: و كان أحکم إذا ذکر عنده الرجعه فأنکرها أحد، فيقول: أنا احد المکذبین، و حکى لى بعض الکذابين أيضاً بهراه هذه القصه فأعجب فامتنع بذکر تلك الحاله، كما يستنکره الناس» یکی از تحریفات راه یافته را تحریف در کلام «مذبوح فی لبد فی مزبله» بیان می کند که باید به این صورت باشد: «مذبوح مدرج فی لبد مطروح فی مزبله»، همان طور که کلام بعدش یعنی «و ذبحوه و أدرجوه فی لبد و طرحوه فی مزبله» (بر آن) گواهی می دهد. (ر.ک: همان، ج ۱، ص ۳۶۴-۳۶۵ / برای نمونه های بیشتر ر.ک: ج ۱، ص ۱۰۸، ۱۰۶، ۲۹۵، ۳۱۷، ۳۶۵، ۳۹۰، ۴۶۷، ۵۶۷، ۵۳۵، ۴۷۵ و ج ۲، ص ۱۱۴)

### ۹-۳. بررسی تطابق متن حدیث با بداهت های عقلی

عدم تطابق و هماهنگی یک متن یا عبارت با بداهت های عقلی، یکی دیگر از معیارهای شناخت وقوع تحریف در متن است که علامه از آن به عنوان قرینه ای بر وقوع تحریف و نیز اصلاح آن بهره برده است؛ برای نمونه، در خبری که نجاشی از ابورافع نقل کرده است، آمده که رسول خدا ﷺ به ابورافع فرمود: «... فقال: یا ابا رافع کیف أنت و قوماً یقاتلون علیاً! هو علی الحق و هم علی الباطل، یكون فی حق الله جهادهم، فمن لم یستطع جهادهم فقلب، فمن لم یستطع فلیس وراء ذلك شیء...»؛ که علامه شوشتری در رابطه با آن می گوید ظاهراً عبارت «فمن لم یستطع» دوم اضافه است، زیرا در جهاد با قلب عدم استطاعت تصور نمی گردد و تنها عدم استطاعت در جهاد با دست و زبان متصور است. (همان، ج ۱، ص ۱۳۲)

همان طور که مشاهده می شود اصلاح این تحریف ضرورتی در داوری های رجالی نداشته است، اما گاهی علامه از معیار عدم تطابق با بداهت های عقلی، به عنوان مقدمه ای برای کشف و اصلاح تحریفاتی که رفع آن از ضرورت های رجالی بوده، بهره گرفته است؛ برای مثال، علامه مامقانی فردی به نام انس بن الوادی را عنوان کرده است که شوشتری می گوید او باید آن فرد را انس الوادی ذکر می کرد، زیرا خودش در توضیح الوادی گفته که منظور از آن وادی القری است، پس چگونه ممکن است که الوادی نام پدر آن فرد باشد؟ (همان، ج ۲، ص ۲۰۷ / برای نمونه های بیشتر ر.ک: ج ۱، ص ۱۱۸؛ ج ۲، ص ۱۲۲ و ج ۸، ص ۱۶۱)

### ۳-۱۰. کشف تحریف پس از حکم به توحید

معیار دیگری که علامه شوشتری برای کشف تحریف از آن استفاده می‌کند، اثبات وحدت عناوین متعدد است. او پس از اینکه حکم به وحدت این عناوین می‌دهد، می‌گوید اصل در آن‌ها یکی است، سپس یکی از آن عناوین را صحیح شمرده و مابقی را حاصل تحریف‌های شکل گرفته در کتب و نسخه‌ها می‌داند؛ برای مثال، با اینکه علامه مامقانی اتحاد ابراهیم بن یحیی را با ابراهیم بن ابی‌البلاد رد کرده است، علامه شوشتری با بیان دلایلی<sup>۱۴</sup> اتحاد آن دو را قطعی دانسته و سپس بیان می‌کند که پس از این اتحاد، ابراهیم بن یحیی بن ابی‌البلاد که در خبر باب «ابط»/الکافی آمده است (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۳، ص ۱۸۵) تصحیفی از جانب نسخه‌نویسان بوده، با زیاد کردن کلمه «بن» بعد از «یحیی»، مضاف بر اینکه تنها در همین یک جا ابراهیم بن یحیی بن ابی‌البلاد ذکر شده است و این تصحیف بودن آن را تقویت می‌کند. (ر.ک: همان، ج ۱، ص ۳۳۹-۳۴۰/ برای نمونه‌های بیشتر ر.ک: ج ۱، ص ۴۹۴، ۵۵۶ و ج ۲، ص ۶، ۱۷، ۵۰، ۶۴، ۱۴۲، ۱۸۱، ۳۱۶، ۳۳۸، ۳۶۷، ۳۷۵، ۳۹۰، ۴۸۰، ۵۲۳، ۵۸۲، ۶۰۰)

### ۳-۱۱. ارجاع موارد نادر به موارد شایع (توجه به تفرّد و اتفاق نقل‌ها)

شوشتری با توجه به این امر که احتمال تحریف در موارد شایع،<sup>۱۵</sup> ضعیف‌تر از موارد نادر است، هرگاه تنها در یک کتاب عبارتی متفاوت از سایر کتاب‌ها ذکر شده باشد، آن عبارت را به دلیل اتفاق سایر کتب بر یک نقل، حاصل تحریف در آن یک کتاب می‌داند. همچنین در موارد مشابهی که اخبار و روایات یا عام و خاص بر یک امر اتفاق داشته باشند، تفرّد نقل را نشان وقوع تحریف می‌داند؛ برای مثال، شوشتری عبارت «من ولد السکون» را که در عنوان‌گذاری کشی برای حمد بن محمد بن ابی نصر ذکر شده است، تحریف‌شده «مولی السکون» می‌داند به دلیل اینکه رجال شیخ و فهرست او و نیز فهرست نجاشی بر این امر که او مولی السکون بوده است، اتفاق دارند. (همان، ج ۱، ص ۵۶۶/ برای نمونه‌های بیشتر ر.ک: ج ۱، ص ۳۷؛ ج ۲، ص ۲۰۱، ۲۷۰؛ ج ۸، ص ۵۹، ۱۰۲ و ج ۱۰، ص ۵۱۸)

### ۳-۱۲. توجه به سبک نگارش کتب مختلف

گاهی شوشتری تغییر سبک ویژه یک کتاب را عاملی جهت تشخیص تحریف قرار

می‌دهد؛ برای مثال، یکی از دلایلی که شوشتری به عنوان شاهدی برای وقوع تحریف در رجال کشی بیان می‌کند، این است که چون روش کشی، ذکر نام و شرح حال تمام عناوین مندرج در روایاتی بوده که نقل می‌کرده است، هنگامی که برخی عناوین مندرج در روایت را ذکر نکرده باشد، نشانه‌ای برای وقوع سقط و افتادگی است. (همان، ج ۲، ص ۲۰۲) همین‌طور از آنجاکه روش کشی نیست که مضمون اخباری را که در ترجمه ذکر کرده است، در عنوان بیاورد، پس در مواردی که مضمون اخبار در عنوان آمده باشد، تحریف صورت گرفته و احتمالاً حاشیه‌ای بوده که با متن اختلاط پیدا کرده است. (همان، ج ۵، ص ۲۶۱/ برای شواهد بیشتر ر.ک: ج ۲، ص ۳۲۹؛ ج ۳، ص ۴۰۳؛ ج ۸، ص ۱۳۳، ۲۴۸، ۴۷۷ و ج ۹، ص ۲۳)

### ۳-۱۳. توجه به نارسایی معنا

توجه به نارسایی معنا را نمی‌توان یک روش مستقل برای کشف و اصلاح تحریف در نظر گرفت، اما از آنجاکه شوشتری پس از کشف این‌گونه تحریف‌ها از راهکارهایی مثل مراجعه به کتب مختلف و مقایسه نقل‌های آن‌ها برای تصحیح این موارد بهره برده است، می‌توان گفت این یک روش ترکیبی است که در آن معیار کشف تحریف و راهکار رفع آن از هم جدا می‌باشند. نمونه‌هایی از این دست که از چند روش در کنار هم برای کشف و رفع تحریف استفاده شده باشد، یا برای معیار کشف از یک روش و راهکار از روش دیگر استفاده شده باشد، در قاموس الرجال کم نیست.

در ذیل عنوان الحسن بن علی بن فضال، در روایتی از کشی آمده است: «محمد بن قولویه، عن سعد، عن علی بن الریان، عن محمد بن عبدالله بن زراره، قال: کنا فی جنازة الحسن بن علی بن فضال، فالتفت الی و الی محمد بن الهیثم و...» شوشتری می‌گوید: این عبارت تحریف شده و بی‌معنی است، (زیرا چگونه ممکن است شخصی که از دنیا رفته دیگری را مورد توجه و التفات قرار بدهد؟) و صحیح آن چیزی است که در کتاب نجاشی آمده و به این صورت است: «عن علی بن الریان، قال: کنا فی جنازة الحسن، فالتفت محمد بن عبدالله بن زراره الی و الی محمد بن الهیثم و...» (همان، ج ۳، ص ۳۲۰/ برای شواهد بیشتر ر.ک: ج ۳، ص ۳۴۴، ۳۶۵، ۵۱۴؛ ج ۵، ص ۴۹۸؛ ج ۹، ص ۴۲ و ۳۹۲)



این نمونه‌ای بود از توجه به نارسایی معنا، اصلاح این‌گونه تحریف‌ها به خصوص کشف و اصلاح تحریف‌های روایات کشی، در قاموس الرجال، بخش قابل توجهی را به خود اختصاص داده‌اند. اما تنها بخش اندکی از این تحریفات در داوری‌های رجالی (در مدح یا ذم افراد) اثرگذار بوده‌اند و بیشتر آن‌ها همچون مثال بالا از آنجاکه دخلی در داوری‌های رجالی دربارهٔ افراد ندارند، برای ذکر آن‌ها در یک کتاب رجالی همچون قاموس الرجال ضرورت چندانی وجود نداشته و شوشتری با ذکر این‌گونه موارد با اینکه تطویل کلام را از اشکال‌های وارد بر کتاب علامه مامقانی برشمرده است، خود نیز به گونه‌ای به این مسئله دچار شده است.

اما نمونهٔ دیگری که شوشتری در کشف و اصلاح تحریف از معیار و راهکاری جدا از هم استفاده کرده، عنوان‌گذاری کشی برای ابان بن عثمان است که گفته: «کان ابان من اهل البصره، و کان مولی بجيله، و کان یسکن الکوفه، و کان من الناووسیه»<sup>۱۶</sup> و نسخه‌ها در این کلام «و کان من الناووسیه» مختلف هستند و در برخی «و کان من القادسیه» آمده است. شوشتری این اختلاف در نقل‌ها را معیاری برای وقوع تحریف قرار داده، اما راهکاری که برای انتخاب عبارت صحیح به کار گرفته، توجه به برخی قرائن است؛ از جمله اینکه می‌گوید در اینجا قرینه‌ای وجود دارد که در مخالفت با جملهٔ «وکان من الناووسیه» است و آن برشمردن ابان بن عثمان در زمرهٔ اصحاب اجماع می‌باشد... (زیرا) در بین این اصحاب اجماع غیر از ابن بکیر، بر شخص غیرامامی دیگری واقف نیستیم... و این چیزی است که هیچ‌کس در آن مخالفتی ندارد، پس ابان بن عثمان هم باید هم چون همراهانش (یعنی سایر اصحاب اجماع) امامی باشد تا یکی از آنان محسوب گردد. و از جمله آنچه صحت عبارت «القادسیه» را تأیید می‌کند، این است که شیخ در فهرست، و نجاشی و برقی همگی تصریح کرده‌اند به اینکه ابان بن عثمان کوفی ساکن بصره بوده، همان‌طور که در کوفه هم سکونت داشته و کشی گفته: «از اهالی بصره و ساکن کوفه بوده است.» پس چنانچه گفته شود: «و کان من القادسیه» موافق با آن‌ها می‌باشد، زیرا قادسیه از کوفه است و اهل بصره بودن با ساکن بودن در کوفه جمع می‌گردد. (ر.ک: همان، ج ۱، ص ۱۱۴-۱۱۶)

مواردی نیز وجود دارد که به دلیل واضح بودن امر، شوشتری بدون بیان علت

کشف تحریف، تنها به تصحیح آن‌ها اقدام کرده و با عبارت «کما لایخفی» واضح بودن آن را نشان داده است؛ برای مثال، عنوان‌گذاری کشی برای ابی بن قیس، همراه با دو برادرش علقمه و الحارث چنین است که گفته: «و قتل اخوه ابی بن قیس یوم صفین، و کانت لابی بن قیس حصن من قصب و لفرسه، فاذا غزی هدمه، و اذا رجع بناه» که علامه شوشتری ذیل آن بیان می‌کند، ظاهراً این کلام کشی که گفته: «حصن من قصب و لفرسه»، محرف «حصن من قصب له و لفرسه» است همچنان‌که امر پوشیده‌ای نیست. (همان، ج ۱، ص ۳۵۲/ برای نمونه‌های بیشتر ر.ک: ج ۱، ص ۱۳۷، ۲۰۳، ۲۴۳ و ج ۳، ص ۱۸، ۵۲، ۱۰۰)

شایان ذکر است تمام مواردی که در آن شوشتری با عبارت «کما لایخفی»، به تصحیح تحریف‌ها و تصحیف‌ها پرداخته است، از جمله موارد غیر ضروری برای قضاوت‌های رجالی بوده‌اند.

### نتیجه‌گیری

۱. روش شوشتری برای کشف و اصلاح تحریف‌ها در قاموس الرجال شامل دو مرحله است: در مرحله اول با کمک معیارهایی همچون اختلاف نقل‌ها، ناهماهنگی در طبقه‌بندی، عدم تطابق متن حدیث با قواعد عربی و نگارشی و بداهت‌های عقلی، احتمال وقوع تحریف را بیان می‌کند؛ سپس برای شناسایی عبارت صحیح از راهکارهایی همچون مقابله نقل کتب مختلف، ترجیح نقل برخی از آن‌ها و نیز رجوع به نسخه‌های صحیح‌تر و اصل کتاب‌ها در کنار توجه به قرائنی مثل ذکر یا اسقاط نام راوی در رجال و اخبار، توحید یا تعدد عناوین، تفرّد و اتفاق نقل‌ها استفاده می‌کند. گاهی نیز شوشتری از چند روش در کنار هم برای کشف و رفع تحریف استفاده می‌کند یا برای معیار کشف از یک روش و برای راهکار اصلاح آن از روش دیگری بهره می‌گیرد.

۲. تحریف‌ها و تصحیف‌هایی که شوشتری در قاموس الرجال به رفع آن‌ها پرداخته، با توجه به حجم آن‌ها در سه دسته قرار می‌گیرد: تحریف‌هایی که از سوی علامه مامقانی شکل گرفته‌اند (به دلیل استفاده او از نسخه‌های تصحیف‌شده یا در نقل قول‌هایش از کتب دیگر) و تحریف و تصحیف‌هایی که در روایت‌های کشی رخ داده‌اند<sup>۱۷</sup> و تحریف‌هایی که در دیگر کتب رجالی رخ داده است.

۳. شوشتری برای کشف و اصلاح تحریف‌ها در *قاموس الرجال*، بیشتر از روش مقابله و مقایسه نقل‌های کتب مختلف استفاده کرده است. روش او برای هریک از عناوین به این صورت بوده است که ابتدا به جمع‌آوری اطلاعات درباره آن فرد و نیز روایات او از کتاب‌های متعدد رجالی و غیر رجالی پرداخته و سپس با مقابله و مقایسه آن‌ها با یکدیگر به رفع و اصلاح تحریف‌های راه‌یافته در آن‌ها اقدام کرده است. پس از آن، از روش‌های دیگری مثل بهره‌گیری از دانش طبقات، علم نسب‌شناسی، توجه به نارسایی معنا، بررسی تطابق متن حدیث با قواعد عربی و نگارشی و... برای کشف و اصلاح تحریف‌ها استفاده کرده است.

۴. تنها برخی از تحریف‌هایی که شوشتری به رفع و اصلاح آن‌ها پرداخته است، به طور مستقیم در اصلاح داوری‌های رجالی تأثیر گذاشته و بسیاری از این تحریف‌ها نه تنها تأثیری در داوری‌های رجالی نداشته‌اند، بلکه اختلالی در فهم عبارات نیز ایجاد نمی‌کرده‌اند و اصلاح این‌گونه موارد تنها نشان از دقت و سواس‌گونه و موشکافی زیاد از حد شوشتری در کشف و اصلاح تحریف‌ها دارد.

#### پی‌نوشت‌ها:

۱. در کتب درایه برای این دو واژه معناهای مختلفی ذکر شده است؛ گروهی آن دو را به یک معنا گرفته‌اند، اما برخی از محدثان، حدیث مصحف را حدیثی می‌گویند که در لفظ یا معنای آن یا هر دو تغییری رخ داده باشد (مامقانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۲۳۷) و برخی تصحیف را به خطا در نقطه‌گذاری و تحریف را به خطا در شکل - مشتمل بر اعراب - بازگردانده‌اند. (عسقلانی، ۱۴۱۴ق، ص ۹۴) همچنین برخی در تفاوت تصحیف و تحریف معتقدند که در روایت محرف شخص تحریف‌کننده، قصد تحریف و تبدیل داشته ولی در تصحیف قصد تغییر نداشته. (مامقانی، ۱۴۱۱ق، ج ۵، ص ۲۲۳/ ابوریه، بی‌تا، ص ۳۰۶) در هر حال به نظر می‌رسد که با توجه به معنای لغوی و استعمالات این دو واژه نزد قدما، تحریف اعم از تصحیف است و هرگونه تغییر در کلام را شامل می‌شود. اما تصحیف تنها قسمتی از تحریف است که در آن، تغییر واژه از یکسانی یا شباهت لفظی یا کتبی دو کلمه ناشی می‌شود. (شیری، ۱۳۸۲ش، ج ۷، ص ۳۵۳)

۲. باب اول از این کتاب درباره احادیث تحریف‌شده است که در دوازده فصل، اقسام تحریف‌های راه‌یافته در احادیث را برمی‌شمارد.

۳. *قاموس الرجال* شامل سه بخش مقدمه، متن اصلی و خاتمه است که متن اصلی خود از چهار بخش

نام‌ها، کنیه‌ها، القاب و نام زنان راوی حدیث تشکیل شده است.

۴. نمونه‌ها: شوشتری، ۱۴۳۱ق، ج ۱، ص ۸۶، ۸۹، ۹۲، ۱۲۱، ۲۹۲، ۴۱۵ و...
۵. نمونه‌ها: همان، ج ۱، ص ۱۶۲، ش ۶۳؛ ص ۲۲۸، ش ۱۴۰؛ ص ۳۰۰، ش ۲۰۹؛ ص ۴۳۴، ش ۳۴۴ و...
۶. نمونه‌ها: همان، ج ۱، ص ۱۲۶، ش ۳۵؛ ص ۱۳۹، ش ۴۰؛ ص ۲۱۹، ش ۱۳۵.
۷. وی علاوه بر اصول اولیه رجالی (نمونه‌ها: ج ۱۰، ص ۳۲، ۳۳، ۴۳، ۴۹؛ ج ۸، ص ۹۸، ۲۶۷، ۳۳۹، ۳۳۲) و کتب اربعه حدیثی (نمونه‌ها: ج ۱۰، ص ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۳۲، ۴۱، ۴۹؛ ج ۸، ص ۲۵۸، ۲۶۲، ۳۳۸، ۳۴۸) از کتاب‌هایی همچون *اسد الغابه* (نمونه‌ها: ج ۱۰، ص ۳، ۵، ۲۲، ۲۴، ۲۸؛ ج ۸، ص ۲۶۵، ۲۶۰، ۶۱۲)، *اکمال‌اللدین* (نمونه‌ها: ج ۱۰، ص ۶، ۱۴؛ ج ۸، ص ۳۴۵، ۳۴۶، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۸۲) *فرق الشیعه* (نمونه‌ها: ج ۱۰، ص ۱۰، ۴۲۳، ۴۲۷، ۴۷۳؛ ج ۸، ص ۲۷۱، ۲۷۲، ۴۳۴) *انساب الاشراف* (نمونه‌ها: ج ۱۰، ص ۱۳، ۴۰؛ ج ۸، ص ۲۵۹، ۲۶۲، ۲۷۳، ۲۷۷، ۳۴۵) *مناقب ابن شهر آشوب* (نمونه‌ها: ج ۱۰، ص ۵۹، ۶۰؛ ج ۸، ص ۲۶۱، ۴۵۹، ۴۶۷) *تاریخ طبری* (نمونه‌ها: ج ۱۰، ص ۱۲، ۱۵، ۲۶، ۳۸؛ ج ۸، ص ۲۵۹، ۲۶۴، ۳۴۱) *تاریخ بغداد* (نمونه‌ها: ج ۱۰، ص ۵۲، ۸۵؛ ج ۸، ص ۳۳۸، ۳۵۲، ۴۰۳) *میزان الاعتدال* (نمونه‌ها: ج ۱۰، ص ۲۸۲، ۵۸۳؛ ج ۵، ص ۴۱۹، ۴۷۲) و ده‌ها کتاب دیگر استفاده کرده است.
۸. البته از آنجاکه *قاموس الرجال* یک کتاب رجالی است و روایات جز در مواردی که در شناخت حال یک راوی اثرگذار باشد، در آن ذکر نشده است و رجال کشی بیشترین روایات را درباره یک راوی ذکر می‌کند، شوشتری در کتاب *قاموس الرجال* در ذیل هر عنوان که از کشی روایت‌هایی ذکر شده است، تحریف‌های راه‌یافته در آن را تا حد امکان رفع می‌کند. (نمونه‌ها: ج ۲، ص ۵۲۴، ۵۴۵، ۶۹۲؛ ج ۵، ص ۲۰۴ و ۲۶۱)
۹. «...عَنْ سَعِيدِ بْنِ سَيَّارٍ، أَنَّهُ حَضَرَ أَحَدَ ابْنَيْ سَائِبٍ وَ كَانَ لَهُمَا وَرَعٌ وَ إِخْبَاتٌ فَمَرَضَ أَحَدُهُمَا وَ لَمَّا أَحْسَبَهُ إِذَا زَكَرِيَّا بْنُ سَائِبٍ، قَالَ، فَحَضَرْتُهُ عِنْدَ مَوْتِهِ، قَالَ، فَبَسَطَ يَدَهُ ثُمَّ قَالَ أَيْضْتُ يَدِي يَا عَلِيُّ، قَالَ، فَدَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَ عِنْدَهُ مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ، فَلَمَّا قُمْتُ مِنْ عِنْدِهِ ظَنَنْتُ أَنَّ مُحَمَّدَ بْنَ مُسْلِمٍ أَخْبَرَهُ بِخَبَرِ الرَّجُلِ، فَأَتَيْتَنِي رَسُولٌ فَرَجَعْتُ إِلَيْهِ، فَقَالَ أَخْبَرْتَنِي خَيْرَ الرَّجُلِ الَّذِي حَضَرْتُهُ عِنْدَ الْمَوْتِ أَى شَيْءٍ سَمِعْتَهُ يَقُولُ قُلْتُ بَسَطَ يَدَهُ فَقَالَ أَيْضْتُ يَدِي يَا عَلِيُّ، فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام رَأَاهُ وَ اللَّهُ رَأَاهُ وَ اللَّهُ رَأَاهُ.»
۱۰. البته در چاپ‌های جدید *الخصال*، این موارد اصلاح شده و تنها در پاورقی به آن اشاره شده است.
۱۱. ممکن است دلیل اینکه نقل قول‌های وی در بیشتر موارد از دقت کافی برخوردار نیستند، سرعت در نگارش باشد، زیرا جمع و ترتیب و تهذیب کتاب علامه مامقانی سه سال بیشتر زمان نبرده است. (تهرانی، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۴۶۶) دلیل دیگر شاید دسترسی نداشتن مامقانی به نسخه‌های اصلی و صحیح باشد، زیرا بخشی از انتقادات شوشتری از علامه مامقانی مربوط به همین تحریف‌ها و تصحیف‌هایی است که در نسخ کتاب‌های رجالی در دسترس مامقانی وجود داشته است. (ر.ک: آقایی،

۱۳۸۶ش، ص ۷۶)

۱۲. یکی از امتیازات علامه شوستری در تألیف کتاب *قاموس الرجال*، دسترسی وی به نسخه‌های صحیح و منحصر به فردی بوده که در کتابخانه خانوادگی وی موجود بوده است. (ر.ک: جهانگیری پور، ۱۳۷۵ش، ص ۴۶)

۱۳. «حمدویه، قال: حدثنا الحسن بن موسى الخشاب قال: حدثنا ابراهيم بن أبي محمود، قال: دخلت على أبي جعفر عليه السلام و معي كتب اليه من أبيه، فجعل يقرأها و يضع كتابا كثيرا على عينيه، و يقول: خط أبي و الله، و بيكي حتى سالت دموعه على خديه. فقلت له: جعلت فداك قد كان أبوك ربما قال لي في المجلس الواحد مرات أسكنك الله الجنة أدخلك الله الجنة، قال، فقال: و أنا أقول أدخلك الله الجنة، فقلت: جعلت فداك تضمن لي على ريك أن يدخلني الجنة، قال: نعم، قال: فأخذت رجله فقبلتها.»

۱۴. از جمله آن دلایل اقتضای نجاشی بر ذکر یک عنوان و همین‌طور اقتضای رجال شیخ است.

۱۵. یکی از قواعد مهم در کشف عبارت صحیح است. (شبییری، ۱۳۸۲ش، ج ۷، ص ۳۵۸)

۱۶. فرقه‌ای از فرقه‌های شیعه که به امامت امام جعفر عليه السلام اعتقاد داشتند، اما معتقد بودند ایشان از دنیا نرفته و مهدی می‌باشد و از امام عليه السلام نقل کرده‌اند که فرمود: اگر کسی گفت که مرا غسل داده و کفن کرده او را تصدیق نکنید همانا من صاحب شما می‌باشم که با شمشیر قیام می‌کنم. و به آن‌ها ناووسیه می‌گفتند چون رئیس آن‌ها که از اهالی بصره بود نامش عجلان بن ناووس بوده است. (ر.ک: سبجانی، ۱۳۸۸ش، ص ۲۷۱)

۱۷. تحریف‌های علامه مامقانی و تحریف‌های روایات کشی حجم گسترده‌ای از *قاموس الرجال* را به خود اختصاص داده‌اند.

## منابع

۱. آقای، سید علی، «شیخ محمدتقی شوستری و انتقادهای رجالی او»، آینه پژوهش، شماره ۱۰۵-۱۰۶، ۱۳۸۶.

۲. ابن اثیر، علی بن محمد، *اسد الغابة فی معرفة الصحابة*، بیروت: دار الفکر، بی تا.

۳. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، *الاستیعاب*، تحقیق علی محمد البجاوی، بیروت: دار الجبل، بی تا.

۴. ابن بابویه، محمد بن علی، *ثواب الاعمال و عقاب الاعمال*، ج ۲، قم: دار الشریف الرضی، ۱۴۰۶ق.

۵. \_\_\_\_\_، *الخصال*، تحقیق علی اکبر غفاری، ج ۱، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ش.

۶. \_\_\_\_\_، *من لا یحضره الفقیه*، تحقیق علی اکبر غفاری، ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.

۷. ابن قولویه، *کامل الزیارات*، تحقیق عبدالحسین امینی، ج ۱، نجف اشرف: دارالمرتضویه، ۱۳۵۶ش.

۸. ابوری، محمود، *اضواء علی السنة المحمدیه*، بیروت: مؤسسة الاعلمی، بی تا.

۹. آقابزرگ تهرانی، محسن، *الذریعة فی تصانیف الشعیه*، ج ۲، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۳ق.
۱۰. جهانگیری پور، محمدهادی، *در سوگ آفتاب شوستر*، ج ۱، قم: مؤسسه مطبوعاتی دارالکتب (جزایری)، ۱۳۷۵ش.
۱۱. رضایی کرمانی، محمدعلی و احمد زارع زردینی، «روش و بررسی عنوان کتب و ابواب حدیثی از نگاه علامه محمدتقی شوشتری»، *دوفصلنامه حدیث پژوهی*، سال دوم، شماره ۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۹.
۱۲. سبحانی، جعفر، *اصول الحدیث و احکامه فی علم الدراییه*، ترجمه سیدعلی آل طیب، ج ۱، بی جا: انتشارات باقیات، ۱۳۸۸ش.
۱۳. شبیری، سید محمدجواد، «تصحیف و تحریف»، *دانشنامه جهان اسلام*، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، ج ۱، تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، ۱۳۸۲ش.
۱۴. شوشتری، محمدتقی، *قاموس الرجال*، ج ۴، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۳۱ق.
۱۵. طوسی، محمد بن حسن، *تهذیب الاحکام*، تحقیق حسن الموسوی خراسان، ج ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۱۶. عسقلانی، ابن حجر، *الاصابة فی تمییز الصحابه*، تحقیق علی محمد معوض، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۴ق.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، *الکافی*، ج ۱، قم: دار الحدیث، ۱۴۲۹ق.
۱۸. مامقانی، عبدالله، *مقباس الهدایه*، تحقیق محمدرضا مامقانی، ج ۱، قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۱۱ق.